

تبیین تأثیرات گسترش نفوذ ICT بر توسعه اجتماعی

علی پیران‌نژاد^۱، آرین قلی‌پور^۲، علی اصغر پورعزت^۳، پیام حنفی‌زاده^۴

چکیده: توسعه در حوزه‌های اجتماعی، از جمله دغدغه‌های پیشروی هر جامعه‌ای است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران و محققان را به خود معطوف کرده است. در عصر اطلاعات با وجودی که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، لایه‌های مختلف جوامع را در هم نوردیده و تأثیرات شگرفی بر آنها داشته، متأسفانه پژوهش‌های اندکی با دیدی کلان‌نگر به مطالعه این تأثیرات پرداخته‌اند. بدین منظور پژوهش حاضر در تلاش است تا به شناسایی و تبیین تأثیرات گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر توسعه اجتماعی جوامع بپردازد. مقاله پیش رو، بخشی از یک پژوهش کیفی با رویکرد داده‌بنیاد (گراندد تئوری) است که در آن تعداد هجده نفر از صاحب‌نظران حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی، فناوری اطلاعات و علوم اجتماعی از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده و در مطالعه شرکت کرده‌اند. داده‌های پژوهش به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده و همچنین از روش مقایسه‌ای مداوم استراوس و کوربین برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گسترش و نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در جوامع از طریق تأثیرگذاری بر سطح انتظارات عمومی و یاری رساندن به شهروندان برای کسب شایستگی و تسهیل در ایجاد تغییر و تحول در نظام اجتماعی جوامع، بر فرآیند توسعه اجتماعی جوامع تأثیرگذار است که مشروح هر یک از آنها در این نوشتار تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه اجتماعی، داده‌بنیاد.

۱. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

۳. دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، ایران

۴. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۲

نویسنده مسئول مقاله: علی پیران‌نژاد

E-mail: Pirannejad@ut.ac.ir

مقدمه

انسان‌ها همواره در طول تاریخ در تلاش بوده‌اند تا با روش‌های گوناگون به تعالی بخشی جامعه خویش بپردازند و درنهایت، به این خواسته دیرینه بشریت نائل شوند که همانا زندگی در جامعه‌ای ایده‌آل که زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های انسانی است. گواه این مطلب، تغییر و تحولات شگرفی است که جوامع انسانی برای دستیابی به این آمال و آرزو در سطح ملی و فراملی، در طول تاریخ شاهد آن بوده‌اند. در این میان پژوهش‌های فراوانی به مطالعه و بررسی این تحولات پرداخته و اغلب آنها از مفهوم توسعه در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه توسعه اجتماعی، به‌عنوان یکی از راهکارهای اساسی تعالی بخشی جوامع یاد کرده و بر ضرورت توجه به این مهم تأکید داشته‌اند و همچنین ریشه بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها و عدم پیشرفت‌های جوامع بشری را در توسعه‌نیافتگی یا کمتر توسعه‌یافتگی آنها بیان کرده‌اند (Jabareen, 2008; Pawar & Cox, 2010).

مفهوم توسعه اجتماعی دربردارنده متغیرهایی است که به نحوه زندگی مردم، فرصت‌ها و امکاناتی که برای ایشان ایجاد می‌شود تا بتوانند نیازهای خود را در جامعه تأمین کنند و همچنین به فرآیندهای تأثیرگذاری مردم بر تصمیم‌هایی که بر زندگی و معیشت ایشان مؤثر است، اطلاق می‌شود. فرصت‌هایی که شهروندان به‌واسطه آنها می‌توانند به رفع نیازهای خود پرداخته و همچنین بر جنبه‌های گوناگون زندگی خویش همچون آموزش، مهارت‌ها و قابلیت‌ها، وضعیت بهداشت و سلامتی، رفاه، آسایش، امنیت، آزادی و مشارکت در جامعه مدنی تأثیرگذار باشند (Houtman, 2004).

دوران معاصر که به‌درستی عصر اطلاعات و دنیای دیجیتال نام‌گذاری شده با پیشرفت‌های شگرف در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همراه بوده است. فناوری‌های اشاره شده با سرعت در لایه‌های مختلف جوامع رسوخ کرده و با فراهم‌آوردن امکانات و شرایطی ویژه، به‌مانند تسهیل‌گر، زمینه‌ساز تغییر و تحولاتی چشمگیر در عرصه‌های گوناگون جوامع و همچنین میزان توسعه‌یافتگی آنها شده‌اند. برای مثال می‌توان به اینترنت اشاره کرد که نمونه‌ای از فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی است و در دوران معاصر، از جمله مهم‌ترین ابزارهایی است که با فراهم‌آوردن فضای مجازی و تسهیل در دسترسی به حجم زیادی از اطلاعات با کمترین هزینه و در کمترین زمان، زمینه را برای افزایش سطح عمومی اطلاعات و آگاهی شهروندان، به‌ویژه قشر جوان جامعه که بیشتر به استفاده از فناوری‌های پیشرفته می‌پردازند، فراهم آورده است.

بيان مسئله

با وجود تأثيرات پرشماری که فناوری‌های مذکور بر توسعه‌یافتگی جوامع داشته‌اند و با وجود مطالعاتی که بر نقش فناوری‌های مورد اشاره بر تعالی بخشی و توسعه‌یافتگی جوامع انجام شده است، متأسفانه نبود یک مطالعه جامع که به بررسی و تبیین این تأثيرات بر توسعه جوامع و به‌طور ویژه در کشورمان ایران، به‌صورت شفاف‌تر و دقیق‌تر بپردازد، در میان پژوهش‌های مرتبط مشهود است که همین امر بیانگر ضرورت انجام پژوهشی در این خصوص بوده و پژوهشگران حاضر را بر آن داشت تا به مطالعه و بررسی این آثار در کشور بپردازند. پژوهش پیش رو در تلاش است تا با بررسی تأثيرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر توسعه اجتماعي کشورمان بپردازد که با توجه به نبود یک چارچوب نظري جامع در این ارتباط، پژوهش حاضر از روش نظريه‌پردازی داده بنیاد^۱ (گراندد تئوری) که یکی از روش‌های پژوهش کیفی به‌شمار می‌رود، استفاده کرده است.

پيشينه پژوهش

پيشينه اثرگذاري فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر جوامع بشري، به نخستین روزهای پیدایش این فناوری‌ها باز می‌گردد. به بیان دیگر، از زمان اختراع فناوری‌های پیشرفته مذکور، تحولاتی شگرف در جوامع بشري صورت گرفته که تا به امروز نیز ادامه داشته و اجتماعات انسانی را دستخوش تغییراتی چشمگیر کرده است (Walsham & Sahey, 2006). با مروری بر مطالعات انجام شده در خصوص تأثيرات توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه و تعالی بخشی جوامع، به نقش مهم و اساسی آن پی خواهیم برد؛ چرا که این فناوری مرزهای همه جوامع را درنوردیده و در تمامی سطوح آنها رخنه کرده است.

با وجود تأثيرات گسترده‌ای که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حوزه‌های گوناگون جوامع داشته‌اند، اغلب مطالعات انجام گرفته در این زمینه، بر موضوعات اقتصادی و تأثيرات فناوری‌های مذکور بر توسعه اقتصادی جوامع تمرکز داشته و مطالعات اندکی به ابعاد اجتماعي و سياسي این تأثيرات پرداخته‌اند و این در حالی است که امروزه به‌شکلی بارز، شاهد این تأثيرات هستیم. کوزما^۲ (۲۰۰۵) از دسته پژوهشگرانی است که به مطالعه و بررسی این تحولات پرداخته و درخصوص تأثيرات توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثيرات اجتماعي آن چنین بیان می‌کند:

-
1. Grounded theory
 2. Kozma

«توسعه اجتماعی در سایه گسترش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، در بردارنده مجموعه‌ای از تغییر و تحولات اجتماعی است که به‌واسطه حضور کامپیوتر، فضای مجازی و سایر تکنولوژی‌های ارتباطی در جوامع رخ می‌دهند. توسعه و گسترش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات منجر به برقراری ارتباط بین آحاد مختلف جامعه با سرعت بیشتر و هزینه کمتر، همکاری بین بخش‌های گوناگون اجتماع در لایه‌های متفاوت، گسترش اطلاعات و خلق دانش در جوامع می‌شود» (۲۰۰۵: ۳۴).

توسعه اجتماعی عبارت است از: فرآیند انتقال ساختارهای اجتماعی به سمت و سویی که در آن، ظرفیت و توانایی اعضای یک جامعه برای دستیابی به آرمان‌ها و اهدافشان ارتقا یابد (Szirmai, 2005). به‌گفته دیگر، توسعه اجتماعی بیانگر ایجاد زمینه برای تحقق خواسته‌ها و نیازهای شهروندان و همچنین تأثیرگذاری اعضای جامعه بر تصمیم‌هایی است که بر زندگی آنها مؤثرند (Kozma, 2005).

مطالعات انجام شده در خصوص تأثیرات توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر سطح سواد و آموزش در جوامع، حاکی از آن است که بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته مذکور در حوزه‌های آموزشی، فوایدی از جمله افزایش کیفیت سیستم‌های آموزشی، افزایش میزان توجه و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های آموزشی و افزایش تعداد ثبت‌نام در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی را به‌همراه داشته است (Andrews, 2004; Abbott, 2001). برای مثال دینو و هارت^۱ (۲۰۰۶) با انجام یک پژوهش میدانی گسترده به این نتیجه رسیدند که توسعه و گسترش استفاده از اینترنت که یکی از معروف‌ترین مصداق‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است با فراهم‌آوردن امکاناتی همچون کلاس‌های درس و دوره‌های آموزشی مجازی، تأثیرات مثبت و معناداری بر سطح سواد و تحصیلات داشته است.

همچنین کوزما (۲۰۰۵) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسید که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، همان‌گونه که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع را درهم‌شکسته و منجر به پیدایش نوع جدیدی از ساختارها متناسب با خواسته‌ها و نیازهای جدید جوامع می‌شود، در سیستم‌های آموزشی و ساختارهای مربوط به آنها نیز تحولاتی چشمگیر را ایجاد کرده و به نوعی سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی را در راستای پاسخ‌گویی هر چه بیشتر به جوامع انسانی، یاری رسانده است. به بیان دیگر، فناوری‌های اشاره شده با معرفی و ارائه امکانات و تسهیلاتی ویژه در راستای افزایش کیفیت خدمات آموزشی در جوامع و ارتقای استانداردهای آموزشی، زمینه را برای

1. Dinev and Hart

تحولاتی شگرف در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع فراهم می‌کنند (Jamtsho & Bullen, 2007; Sheridan & Pramling Samuelsson, 2003).

برخی دیگر از مطالعات نیز به نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در افزایش سطح اطلاعات و آگاهی شهروندان تأکید داشته و بر این باورند که فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، حجم بیکرانی از اطلاعات را در زمان کم و با هزینه ناچیز در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند و همچنین با از میان برداشتن فواصل جغرافیایی، قابلیت ارتباط افراد با توانایی‌های مختلف در مکان‌ها مختلف را برای انسان‌ها به‌ارمغان آورده‌اند که در نتیجه منجر به افزایش سطح عمومی اطلاعات شهروندان و درنهایت، ارتقای سطح دانش و آگاهی ایشان می‌شود (Frisch, 2006; Hendriks, 1999; Kamel, 2008; Perdana, 2010; OECD, 2010; Pirannejad, 2011).

همچنین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به مدد امکانات ارتباطی پیشرفته خود، منجر به افزایش ارتباطات بین افراد در سطح جوامع شده است. برای نمونه می‌توان به انواع ارتباطات تلفنی اشاره کرد که میزان ارتباطات را در بین افراد به‌شدت افزایش داده است. همچنین فناوری‌های مذکور از طریق فضای مجازی (به‌ویژه اینترنت) و ایجاد شبکه‌های اجتماعی، زمینه افزایش تعاملات بین افراد را بیشتر کرده است (ITU, 2010; Pirannejad, 2011) و نکته جالب توجه این که به باور صاحب‌نظران علوم اجتماعی، افزایش میزان برقراری ارتباطات و تعامل در بین افراد، نقش به‌سزایی در سلامت روانی جامعه و همچنین تأثیرات مثبتی در افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی ایفا می‌کند که بیان‌کننده تأثیرات سازنده گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در افزایش میزان اطلاعات و آگاهی شهروندان جوامع، به‌منزله یکی از عوامل مهم توسعه اجتماعی است (Stephanidis et al., 1999; Merlyn & Valikangas, 1998).

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی مبتنی بر رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است و از جمله روش‌های پژوهش استقرایی است که ریشه در واقعیت داشته و برای حوادث به‌همان شکلی که رخ می‌دهند، توضیحاتی ارائه می‌کند. روش پژوهش مورد اشاره را استراوس و کوربین در سال ۱۹۶۷ توسعه دادند که بر پایه گردآوری، مقایسه مداوم داده‌ها و شکل گرفتن مفاهیم به‌صورت همزمان استوار است (Strauss & Corbin, 2008).

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، هجده نفر از صاحب‌نظران و محققان در حوزه‌های مدیریت فناوری اطلاعات، علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی بودند که به‌روش هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان، افزون‌بر دارا بودن تألیفاتی در ارتباط با سؤال پژوهش، سوابق اجرایی ایشان در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش و داشتن سخنرانی در انجمن‌های علمی بوده است. گفتنی است که تعداد نمونه مناسب برای روش داده‌بنیاد بر اساس پیشنهاد استراوس و کوربین، بین ۱۰ تا ۲۵ نفر است که افزایش این تعداد بستگی به مرحله اشباع تئوریکی دارد. به‌گفته‌ای، تا زمانی که دیگر اطلاعات و داده‌های جدیدی از مصاحبه‌شوندگان حاصل نشود، فرآیند جمع‌آوری اطلاعات ادامه می‌یابد (Strauss & Corbin, 2008).

برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است که انعطاف‌پذیری و عمیق بودن از ویژگی‌های بارز آن بوده و مناسب پژوهش‌های کیفی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، پارادایم کدگذاری سه مرحله استراوس و کوربین انتخاب (Strauss & Corbin, 1994) و همچنین از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی NVIVO نسخه نهم در فرآیند کدگذاری استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مرحله کدگذاری باز

همان‌طور که در بخش‌های قبل نیز بدان اشاره شد، پس از آن که تمامی مصاحبه‌ها وارد نرم‌افزار NVIVO شد، پژوهشگر به مطالعه و بررسی واژه‌به‌واژه، خط‌به‌خط و بندبه‌بند مصاحبه‌ها پرداخته و تمامی واژگان، جمله‌ها و حتی بندهایی که به نوعی بیانگر موضوعی خاص هستند را شناسایی و در قالب کدهای استخراجی قرار می‌دهد. همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، نتایج حاصل از مطالعه و بررسی مصاحبه‌های انجام شده در قالب شش مقوله اصلی (طبقه اصلی) و ۱۴ مفهوم دسته‌بندی شدند که در ادامه این بخش به تبیین هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

تحلیل و بررسی دقیق نظرات بیان شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، حاکی از آن بود که اغلب ایشان بر این نکته تأکید داشتند که در عصر حاضر، عنصر اطلاعات از دسته عوامل اساسی و تأثیرگذار در جوامع بشری است. مطالعه و بررسی مجموعه نظرات بیان شده مصاحبه‌شوندگان، حاکی از آن است که مجموع عقاید و نظرات ایشان در خصوص نقش و جایگاه اطلاعات در جوامع، در قالب دو مفهوم کلی دسترسی به اطلاعات و آزادسازی اطلاعات قابل تقسیم‌بندی است. مفهوم نخست دربردارنده مجموعه کدهایی است که به نوعی بیانگر

دسترسي آسان تر شهروندان به اطلاعات در سايه نفوذ و گسترش فناوري هاي اطلاعاتي در جوامع بشري است. در اين ارتباط مصاحبه شوندهگان از ديده گاه هاي مختلف، به تاثيرات نفوذ و گسترش اين فناوري ها بر كميت و كيفيت دسترسي شهروندان به اطلاعات پرداخته و بيان داشتند كه توسعه فناوري هاي مذكور باعث شده تا فرآيند دسترسي به اطلاعات در زمان كمتر، با هزينه اندك و فارغ از محدوديت هاي مكاني و فواصل جغرافيايي بهبود يابد.

جدول ۱. مقوله ها و مفاهيم بدست آمده از مرحله كدگذاري باز

| مقوله ها | مفاهيم | مشخصه ها | ابعاد |
|------------------|----------------------------|---|-----------------------------------|
| اطلاعات سالاري | دسترسي به اطلاعات | مكاني، زماني، هزينه | كم تا زياد |
| | آزادسازي اطلاعات | شفافيت اطلاعاتي، قدرت اطلاعاتي، بازمهندسي ساختارها | ابتدائي تا پيشرفته |
| تكنولوژي سالاري | نيروي انساني | سواد اطلاعاتي، تخصص در استفاده از فناوري هاي نوين | كم تا زياد |
| | فناوري هاي پيشرفته | سخت افزاري، نرم افزاري | ابتدائي تا پيشرفته |
| آموزش | رسمي | مدارس، دانشگاه ها، مؤسسه هاي آموزشي | اثربخشي كم تا اثربخشي زياد |
| | غيررسمي | خانواده، دوستان، تعاملات اجتماعي، يادگيري از اجتماع | اثربخشي كم تا اثربخشي زياد |
| پيوندهاي اجتماعي | سازمان هاي مردم نهاد | كمك هاي داوطلبانه، غيرانتفاعي بودن، بشردوستانه بودن | ضعيف تا شديد |
| | شبكه هاي اجتماعي مجازي | فيس بوك، توئيت، گروه هاي مجازي گوگل و ياهو، اوركات | ضعيف تا شديد |
| متغيرهاي ملي | فرهنگ ملي | ارزش ها، باورها و اسطوره هاي ملي | سطحي (كم تاثير) تا عميق (اثرگذار) |
| | حمایت های مالی | بروز کردن تجهیزات، معافیت ها، حمایت از سرمایه گذاری | اثربخشي كم تا اثربخشي زياد |
| جهاني شدن | قوانين و مقررات | مجوزها، حمايت از مالكييت فكري، فيلترينگ، امنيت مجازي، حريم خصوصي، استانداردها | اثربخشي كم تا اثربخشي زياد |
| | حمایت ها و تهدیدهای فراملی | تحریم ها، كمك هاي بين المللي، استانداردها | اثربخشي كم تا اثربخشي زياد |
| فرهنگ جهاني | ارتباطات بين المللي | ارتباطات در سطح فردي، سازماني و ملي | درون گرايي و برون گرايي |
| | فرهنگ جهاني | ارزش ها و باورهاي فراملی | سطحي (كم تاثير) تا عميق (اثرگذار) |

اطلاعات‌سالاری

تحلیل و بررسی دقیق نظرات بیان شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر حاکی از آن بود که اغلب ایشان بر این نکته تأکید داشتند که در عصر حاضر، عنصر اطلاعات از جمله عوامل اساسی و تأثیرگذار در جوامع بشری است. بر همین اساس بسیاری از ایشان، اصطلاح جامعه اطلاعاتی یا جامعه دیجیتال را برای تبیین هرچه بهتر این تأثیرگذاری استفاده می‌کردند. مطالعه و بررسی مجموعه نظرات بیان‌شده مصاحبه‌شوندگان، حاکی از آن است که مجموع عقاید و نظرات ایشان در خصوص نقش و جایگاه اطلاعات در جوامع، در قالب دو مفهوم کلی دسترسی به اطلاعات و آزادسازی اطلاعات قابل تقسیم‌بندی است. مفهوم نخست دربردارنده مجموعه کدهایی است که به‌نوعی بیانگر دسترسی آسان‌تر شهروندان به اطلاعات در سایه نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی در جوامع بشری است. در این ارتباط مصاحبه‌شوندگان از دیدگاه‌های مختلف به تأثیرات نفوذ و گسترش این فناوری‌ها بر کمیت و کیفیت دسترسی شهروندان به اطلاعات پرداخته بیان داشتند که توسعه فناوری‌های مذکور، سبب شده تا فرآیند دسترسی به اطلاعات در زمان کمتر، با هزینه اندک و فارغ از محدودیت‌های مکانی و فواصل جغرافیایی بهبود یابد.

از سوی دیگر مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر با بیان مطالبی بر این نکته تأکید کردند که در عصر دیجیتال معاصر، امکانات تکنولوژیکی فراوانی برای شهروندان به‌منظور دسترسی سریع‌تر و همه‌جانبه‌تر ایشان به اطلاعات، به‌ارمغان آورده است. به عقیده ایشان، هرچه همگان آسان‌تر به فناوری‌های اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند، به همان میزان نیز پنهان‌کاری و عدم اطلاع‌رسانی در جوامع بشری کاهش یافته و متعاقب آن، شفافیت اطلاعاتی در این جوامع ارتقا خواهد یافت.

مطالعه و بررسی مطالب ارائه‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که سازوکارهای اشاره شده (دسترسی آسان و آزادسازی جریان اطلاعات) هر کدام به نوعی بیانگر گسترش اطلاعات در جوامع هستند. به بیان دیگر، هر یک از دیدگاه خاصی به توسعه و ترویج اطلاعات در جوامع بشری تأکید دارند که بر همین اساس هر دو سازوکار مذکور در قالب طبقه‌ای کلان‌تر با عنوان اطلاعات‌سالاری که بیانگر حاکمیت اطلاعات در عصر حاضر و همچنین بیانگر جایگاه والای اطلاعات در دنیای معاصر است، دسته‌بندی و معرفی شدند.

فناوری سالاری

مطالعه و بررسی جامع مصاحبه‌ها و نظرات ایراد شده از سوی مشارکت‌کنندگان، حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان علاوه بر بحث حاکمیت اطلاعات، به حاکمیت و اعمال قدرت تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین امروزی تأکید دارند. این دسته از مشارکت‌کنندگان چنین بیان داشتند که در عصر دیجیتال امروز، تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین پا را فراتر از فلسفه وجودی خود گذاشته و همچون هدف و نهایت غایی مد نظر قرار گرفته شده‌اند. بررسی و تحلیل دقیق نظرات مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که با توجه به ماهیت مشترک نظرات و ایده‌های مطرح شده، مجموعه مطالب ایراد شده حول دو محور اصلی نیروی انسانی متخصص و فناوری‌های پیشرفته هستند.

در بخش نخست، صاحب‌نظران بر این باور بودند که ظهور و توسعه فناوری‌های پیشرفته امروزی، منجر به ایجاد طبقه خاصی در جوامع امروزی شده است که با عنوان فن‌سالاران از ایشان یاد می‌شود. در حقیقت این افراد به واسطه تخصص و مهارت‌های استفاده از فناوری‌های نوین، از قدرت و جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار هستند.

مصاحبه‌شوندگان علاوه بر تأکیدی که بر نیروی انسانی متخصص و آگاه به مهارت‌های استفاده از فناوری‌های نوین امروزی داشتند با بیان مطالب و نظراتی به حوزه فنی و تکنولوژیکی این پیشرفت‌ها نیز تأکید کردند. به بیان دیگر، صاحب‌نظران مشارکت‌کننده به نقش فناوری‌های نوین و حکمرانی و اعمال قدرت آنها در جوامع امروزی تأکید داشتند. در این خصوص در مجموعه نظرات ایشان دو دسته کلی از فناوری‌ها مورد توجه قرار گرفت که یک دسته بیانگر بخش نرم‌افزاری پیشرفت‌های مربوط به آن، همچون اتوماسیون اداری، مدیریت پروژه‌ها به واسطه رایانه‌ها، برنامه‌های کاربردی در بخش دولتی و خصوصی، برنامه‌های مدیریت مالی و حسابداری و... بود و در بخش دیگر، جنبه سخت‌افزاری پیشرفت‌های فناوری‌های معاصر همچون رایانه، اینترنت، تلفن همراه و ثابت، رسانه‌های الکترونیکی و... مورد توجه قرار می‌گرفت. بر همین اساس و با رویکرد به ماهیت مشترک این نظرات که به جایگاه فناوری‌ها در جوامع تأکید دارند، مطالب مذکور در قالب طبقه‌ای کلی‌تر با عنوان فناوری‌سالاری دسته‌بندی و معرفی شدند که در حقیقت این طبقه هم جنبه‌های انسانی این فن‌سالاری و هم جنبه‌های تکنیکی آن را دربرداشته و به نوعی در تلاش است با دیدی جامع‌تر به جایگاه فناوری‌های امروزی در جوامع بپردازد.

آموزش

مطالعه و بررسی دقیق مطالب بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن است که اغلب مشارکت‌کنندگان با بیان مطالبی چون، افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی، سایت‌ها و وبلاگ‌های آموزشی، کیفیت آموزش، افزایش سطح تحصیلات و سواد و... بر بعد آموزش و فرآیندهای یادگیری، به‌واسطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تأکید داشتند. تحلیل مجموعه مطالب ایراد شده دربردارنده این نکته است که برخی از نظرات در خصوص تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی بر آموزش و یادگیری رسمی که از سوی سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی مشغول در این حوزه تمرکز داشته و برخی دیگر از نظرات، دربردارنده فرآیند آموزش و یادگیری غیررسمی هستند که در سطوح گوناگون اجتماع همچون خانواده، دوستان، تعاملات اجتماعی و... رخ می‌دهد.

صاحب‌نظران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، بر اهمیت میزان آگاهی و معرفت شهروندان یک اجتماع، به‌منزله عاملی اساسی در توسعه کشورها تأکید داشته و اشاره کردند که فناوری‌های پیشرفته همچون، اینترنت و فناوری‌های مرتبط با فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتالی، با توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی و همچنین با تأثیر بر عواملی همچون، افزایش میزان سواد و تحصیلات و افزایش کیفیت نهادهای آموزشی، زمینه را برای ارتقای سطح عمومی آگاهی شهروندان جوامع فراهم می‌آورند. علاوه‌بر مجموعه مطالب اشاره شده، برخی از صاحب‌نظران بر تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی تأکید داشتند و بر این باور بودند که این پیشرفت‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیکی، بر کیفیت و کمیت آموزش‌های ارائه‌شده از سوی این مؤسسه‌ها و سازمان‌ها افزوده‌اند و به بیان بهتر، تحولی چشمگیر را در سیستم‌های آموزشی جوامع به‌همراه داشته‌اند.

با توجه به مجموعه نظرات بیان شده در خصوص تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر فرآیندهای آموزشی و با رویکرد به ماهیت مشترک مطالب مطرح شده در هر دو طبقه آموزش رسمی و آموزش غیررسمی که هر یک به نوعی بر آموزش و یادگیری تأکید داشتند، مجموعه این نظرات و مطالب بیان‌شده در قالب طبقه‌ای کلی‌تر با عنوان آموزش، دسته‌بندی و معرفی شدند که در کل هم به بعد آموزش رسمی ارائه‌شده مؤسسه‌ها و سازمان‌های مربوطه بپردازد و هم به مجموعه آموزش‌ها و فرآیندهای یادگیری که به‌صورت غیررسمی و در قالب یادگیری از اجتماع حاصل می‌شود، تأکید کند.

پیوندهای اجتماعی

مرور و بررسی دقیق نظرات بیان شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، بیانگر این مطلب است که اغلب ایشان با بیان مطالبی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی، تعاملات مجازی، ارتباطات دیجیتالی و... به تبیین تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در افزایش پیوندها و ارتباطات اجتماعی شهروندان جوامع پرداخته‌اند. در میان مجموعه نظرات بیان شده، برخی از صاحب‌نظران بر نقش توسعه فناوری‌های اشاره شده در گسترش فعالیت‌ها و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)، به‌منزله یکی از ارکان پیوند دهنده شهروندان به یکدیگر تأکید داشتند.

علاوه بر نقش فناوری‌های اطلاعاتی در توسعه و گسترش دامنه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد که بدان اشاره شد، کمابیش اکثر مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید داشتند که پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، منجر به پیدایش نوع جدیدی از شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. این شبکه‌های اجتماعی به‌صورت مجازی بوده و زمینه را برای تسهیل ارتباطات اجتماعی که از عوامل مهم توسعه پیوندهای اجتماعی است، فراهم آورده است. تا قبل از ظهور فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ارتباطات انسانی اغلب به‌شکل محدود و در چارچوب ارتباطات شفاهی و کتبی، فقط با تعداد محدودی از مخاطبان امکان‌پذیر بود؛ این در حالی است که پس از ظهور فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی همچون رادیو، تلویزیون، اینترنت و فضاهای مجازی، یک فرد می‌تواند با میلیون‌ها نفر و حتی بیشتر ارتباط برقرار کرده و با آنها در تعامل باشد که به نوبه خود تحولی عظیم را در ارتباطات انسانی به‌همراه داشته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مشارکت‌کنندگان بیان مطالبی بر جنبه‌های گوناگون تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، در تقویت و توسعه پیوندهای و تعاملات اجتماعی شهروندان تأکید داشتند. بر همین اساس و با توجه به ماهیت مشترک عوامل ذکر شده که همگی به نوعی دربردارنده تعاملات و پیوندهای اجتماعی میان شهروندان جوامع است، مجموعه این نظرات و ایده‌ها در قالب طبقه‌ای کلی‌تر با نام پیوندهای اجتماعی دسته‌بندی و معرفی شدند.

عوامل ملی

تحلیل دقیق مصاحبه‌های انجام شده نشان داد که مصاحبه‌شوندگان، علاوه بر نقش مواردی که در بخش‌های قبلی بدان اشاره شد، به برخی از عوامل ملی و داخلی هر کشور که عوامل اثرگذار بر رشد و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌شمار می‌روند، تأکید کردند. کمابیش اکثر مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که سیستم قانون‌گذاری و قوانین جاری در هر کشور، نقش

به‌سزایی در توسعه و ترویج فناوری‌های مذکور برعهده دارند؛ چرا که به عقیده ایشان، سیستم قانون‌گذاری با ایجاد رویکردهای خاص، می‌تواند از یک سو زمینه‌ساز و تقویت‌کننده رشد و توسعه فناوری‌های نوین شود و از سوی دیگر با اتخاذ رویکردی خصمانه، می‌تواند یکی از موانع اصلی رشد و گسترش فناوری‌های اشاره شده شود. برای مثال، برخی از مشارکت‌کنندگان با بیان مطالبی همچون حمایت قانونی از پدیدآورندگان نرم‌افزارها، قانون حمایت از مکاتبات الکترونیکی و امضای دیجیتالی، قانون حمایت از اطلاعات شخصی و حریم خصوصی افراد، قانون حمایت از تجارت الکترونیک، قانون حمایت از مالکیت فکری، قانون جامع ارتباطات، قانون حمایت از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی در فضای مجازی، به وضع قوانینی از سوی قانون‌گذاران در راستای حمایت هر چه بیشتر از فعالیت در فضای سایبری، تأکید داشتند.

علاوه بر بُعد حمایتی که مدنظر مشارکت‌کنندگان بود، برخی دیگر از ایشان به جنبه‌ها و کارکردهای منفی گسترش فناوری‌های اطلاعاتی اشاره داشتند و بر این باور بودند که وضع قوانین امنیتی برای جلوگیری از جرایم مرتبط با فناوری‌های اطلاعاتی، به‌ویژه در فضای مجازی، از جمله الزامات و اقدامات اساسی به‌منظور حمایت هرچه بیشتر از گسترش فناوری‌های اطلاعاتی در جوامع است؛ زیرا تا زمانی که کاربران این فناوری‌ها از امنیت فضای سایبری اطمینان حاصل نکنند، میل و اشتیاق کمتری به استفاده از این فناوری‌ها از خود نشان خواهند داد و همین امر مانعی بر سر راه گسترش فناوری‌های مذکور در جوامع خواهد بود.

تحلیل دقیق مصاحبه‌های انجام شده حاکی از آن است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، علاوه بر بُعد قانون‌گذاری به‌منزله یکی از عوامل ملی اثرگذار بر گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، بر نقش دولت و سیاست‌های اتخاذ شده از جانب دولت در نفوذ و گسترش فناوری‌های اشاره شده، تأکید داشتند. به باور ایشان قوه مجریه، به‌دلیل داشتن اختیارات و قدرت اجرایی فراوان، می‌تواند عاملی اثرگذار در حرکت جامعه به سوی دیجیتالی شدن به‌شمار رود. افزون بر معیارهای داخلی اثرگذار بر توسعه و ترویج فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر جوامع، کمابیش اکثر مشارکت‌کنندگان بر نقش باورها و ارزش‌ها و هنجارهای جوامع در گسترش فناوری‌های اشاره شده، تأکید داشتند. به عقیده ایشان، یکی از مشکلات اساسی موجود در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مشکل فرهنگی برخورد با فناوری‌های نوین است که معمولاً گروهی از مردم در مقابل تغییرات واکنش منفی نشان می‌دهند که این مسئله باعث تأخیر در استفاده مناسب از آنها می‌شود. به اعتقاد ایشان تا زمانی که بستر و شرایط فرهنگی جامعه‌ای با توسعه استفاده از فناوری‌های نوین همسو و همراستا نباشد، گسترش و ترویج

فناوري‌هاي مذکور در آن جامعه به‌شکل مطلوبي ميسر نخواهد شد و در برخي موارد اين فناوري‌ها را عوامل ضد ارزش دانسته و عليه آن اقداماتي را انجام مي‌دهند. با تأملي بر مطالب بيان شده، به اين مطلب اذعان خواهيم کرد که مطالب مذکور به نوعي بر معيارها و عوامل داخلي اثرگذار بر توسعه و ترويج فناوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي در کشورها تأکيد داشته‌اند. بر همين اساس و با توجه به اينکه مجموعه نظرات مطرح شده هر یک به نوعي بر جنبه‌هاي ملي اثرگذار بر ترويج و گسترش فناوري‌هاي اطلاعاتي تمرکز دارند، بر اين اساس مجموعه مطالب و نظرات ايراد شده در قالب دسته و طبقه‌اي کلان‌تر با عنوان متغيرهاي ملي معرفي و دسته‌بندي شدند.

جهاني شدن

تحليل مصاحبه‌هاي انجام شده حاكي از آن است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر با بيان مطلبي، علاوه بر تأکيد روي متغيرهاي بومي و ملي هر کشور، بر محيط بين‌المللي به‌عنوان يکي از عوامل اصلي اثرگذار بر نفوذ و گسترش فناوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي در جوامع نيز تأکيد داشته‌اند. نتايج بررسي نظرات مصاحبه‌شوندگان بيانگر اين مطلب بود که هر یک از ايشان از ديدگايي خاص به پديده جهاني شدن توجه داشتند. در اين ارتباط، عده‌اي از مصاحبه‌شوندگان بر حمايت‌ها و کمک‌هايي تأکيد کرده‌اند که از سوي سازمان‌هاي بين‌المللي، همچون سازمان ملل متحد، بانک جهاني، صندوق بين‌المللي پول، سازمان تجارت جهاني و مانند آن در اختيار کشورها و در راستاي ايجاد و نوسازي زيرساخت‌هاي مربوط به فناوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي قرار مي‌گيرد و برخي ديگر نيز بر فشارها و تهديدهايي تأکيد داشتند که از سوي جامعه جهاني و سازمان‌هاي بين‌المللي بر کشورها تحميل شده و به‌صورت مستقيم و در برخي موارد غيرمستقيم، زمينه را براي رشد و گسترش فناوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي در اين جوامع بشري فراهم مي‌کند. برخي ديگر از نظرات نيز به نقش استانداردها و شاخص‌هايي تأکيد داشتند که از سوي سازمان‌هاي بين‌المللي وضع شده و در تلاش هستند تا علاوه بر دو سازوکار قبلي (اعمال فشار و تهديد و همچنين حمايت) با وضع يکسري استانداردهاي جهان‌شمول، کشورها را به‌سوي توسعه‌يافتگي و گسترش استفاده از فناوري‌هاي اطلاعاتي تشويق کنند.

عده‌اي از صاحب‌نظران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بر جنبه ديگري از جهاني شدن تأکيد داشتند که در بردارنده موضوعاتي مرتبط با ارزش‌ها و باورهايي است که در جامعه جهاني حاکم مي‌شود. به بيان ديگر، صاحب‌نظران بر اين باور بودند که جهاني‌شدن از طريق ايجاد يا تقويت يکسري ارزش‌ها و هنجارهاي خاص همچون مصرف‌گرائي، رفاه‌طلبي، افزايش ارزش زمان،

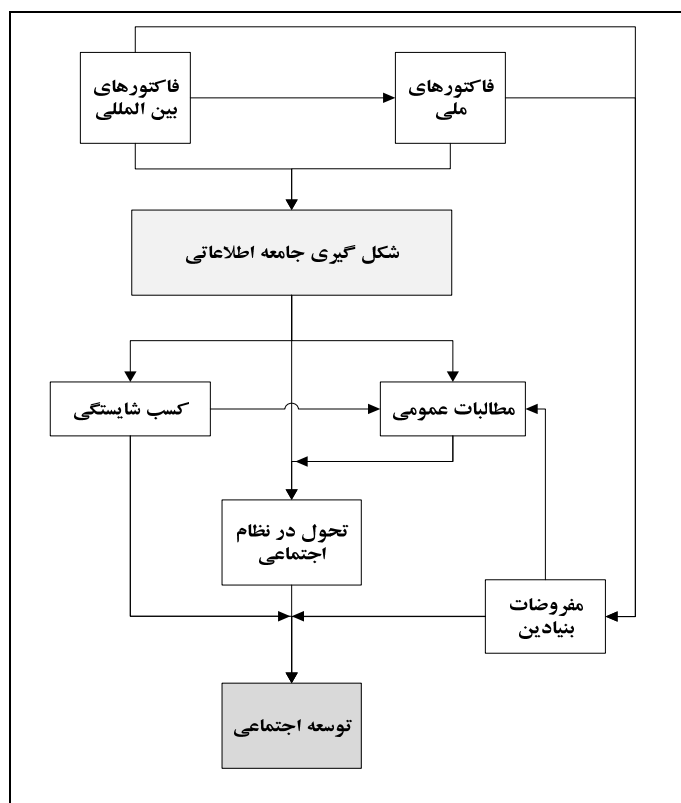
افزایش اهمیت کار فکری در مقابل کار دستی و... بر جامعه بشری و به‌ویژه بر رشد و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جوامع تأثیرات به‌سزایی گذاشته است. با تأملی بر آنچه بیان شد، به این مطلب اذعان خواهیم کرد که مطالب مذکور به نوعی بر متغیرها و عوامل خارجی و فراملی اثرگذار بر توسعه و ترویج فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کشورها تأکید داشته‌اند. بر همین اساس و با توجه به اینکه مجموعه نظرات مطرح شده هر یک به نوعی بر جنبه‌های بین‌المللی اثرگذار بر ترویج و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی تمرکز دارند، مجموعه مطالب و نظرات ایراد شده در قالب مقوله‌ای با عنوان جهانی شدن معرفی و دسته‌بندی شدند.

یافته‌های مراحل کدگذاری محوری و انتخابی

پس از دسته‌بندی کدهای استخراج شده در قالب مفاهیم و مقوله‌های فوق‌الذکر، مرحله کدگذاری محوری آغاز می‌شود که در طول این فرآیند، محقق به بررسی ارتباط بین مقوله‌های شناسایی شده با یکدیگر می‌پردازد. محققان پژوهش حاضر پس از تحلیل و بررسی دقیق مجموعه نظرات ارائه شده، جامعه اطلاعاتی را به‌عنوان طبقه اصلی شناسایی و معرفی کردند. به بیان دیگر با توجه به اینکه کمابیش در اغلب نظرات و مطالب بیان شده از جانب مشارکت‌کنندگان، مطالبی در ارتباط با جامعه اطلاعاتی وجود داشت و اینکه سایر مطالب و طبقات دیگر به نوعی در ارتباط تنگاتنگ با این طبقه بودند، جامع اطلاعاتی به‌منزله طبقه اصلی و موضوع مرکزی شناسایی و در مدل حاصل از مرحله کدگذاری محوری، به‌عنوان محور و مرکز مدل در نظر گرفته شد. همچنین عواملی همچون حمایت‌ها و تهدیدهای بین‌المللی، ارتباطات بین‌المللی، تسهیل‌گرهای مالی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، مجوزها و معافیت‌ها به‌عنوان متغیرها و عوامل علی؛ تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی در حوزه آموزش و پیوندهای اجتماعی به‌عنوان مجراهای عملیاتی؛ متغیرهایی همچون سانسور کردن (فیلترینگ)، وضع قوانین امنیتی، استانداردهای ملی و بین‌المللی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر؛ متغیرهای فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی که دربردارنده ارزش‌ها و باورهای ملی و فراملی هستند به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و رفاه و توسعه اجتماعی به‌عنوان مجموعه پیامدها و نتایج، شناسایی و معرفی شدند.

در مرحله سوم از فرآیند کدگذاری (کدگذاری انتخابی)، پژوهشگر با در نظر داشتن طبقه مرکزی یا پدیده محوری، در تلاش است تا روابط بین طبقات و مقوله‌های اکتشافی را در قالب یک چارچوب نظری و به‌منزله خروجی نهایی روش داده‌بنیاد تبیین کند. بر همین اساس پس از بررسی و مطالعه دقیق روابط بین مقوله‌های اکتشافی حاصل از مجموعه نظرات بیان شده از

سوی مصاحبه‌شوندگان، چارچوب نظری توسعه اجتماعی ICT محور، به‌عنوان خروجی روش داده‌بنیاد در پژوهش حاضر طراحی شد (نمودار ۱).



نمودار ۱. چارچوب نظری توسعه اجتماعی ICT محور

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است، شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی به‌عنوان هسته و مرکز چارچوب نظری ارائه شده در پژوهش، انتخاب شده است و دلیل این انتخاب آن است که اغلب صحبت‌ها و نظرات بیان شده از سوی صاحب‌نظران به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با پدیده جامعه اطلاعاتی و شکل‌گیری جوامعی بر مبنای اطلاعات و ارتباطات در ارتباط بود و همچنین تمامی طبقات اکتشافی دیگر نیز به نوعی با این طبقه مرکزی در ارتباط بودند، به‌شکلی که برخی از آنها زمینه‌ساز شکل‌گیری این طبقه و برخی دیگر، پیامدها و نتایج حاصل از این طبقه مرکزی بودند.

افزون بر عوامل بین‌المللی، همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، برای متغیرهای ملی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری و ترغیب جوامع به اطلاعاتی شدن در نظر گرفته است. متغیرهای ملی که در این مجموعه مورد توجه قرار دارند، عبارتند از: فرهنگ ملی شامل ارزش‌ها و باورهای ملی، حمایت‌های سیستم قانون‌گذاری و قضایی کشورها در وضع قوانین امنیتی و حمایتی همچون جرایم اینترنتی از گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و استفاده آنها در سطح جوامع، سیاست‌های دولت که شامل حمایت‌های دولت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اطلاعاتی کشورها، ارائه معافیت‌های ویژه در جهت ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در صنعت فناوری‌های اطلاعات، توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی از سوی دولت‌ها، صدور مجوز راه‌اندازی سازمان‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی، سانسور کردن (فیلترینگ) است. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که متغیرهای بین‌المللی به‌عنوان متغیرهایی اثرگذار بر عوامل ملی شناسایی و معرفی شده‌اند. بدین معنا که جامعه جهانی یا به بیان بهتر، پدیده جهانی شدن با سازوکارهای خاص بر عوامل ملی جوامع تأثیرگذار است. برای مثال صاحب‌نظران بر این مطلب تأکید داشتند که در عصر حاضر، فرهنگ جهانی به‌واسطه افزایش تعاملات و ارتباطات بین‌المللی و سهولت در برقراری ارتباطات فراملی، بر فرهنگ ملی جوامع و ارزش‌ها و باورهای آنها تأثیر گذاشته و آنها را همراستا و همسو با فرهنگ جهانی هدایت می‌کند.

هسته اصلی چارچوب نظری ارائه شده در این پژوهش، شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی است که از جمله ویژگی‌های این جامعه، اطلاعات‌سالاری و فناوری‌سالاری است. به‌گفته دیگر، جامعه‌ای که در آن اطلاعات و ارتباطات حرف نخست را می‌زند، ساختارهای آن جامعه نیز در راستای آن متحول شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، پیامد شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی با سه پیکان و خروجی در نمودار چارچوب نظری نمایش داده شده است. نتیجه نخست بیانگر کسب شایستگی است؛ بدین معنا که در مجموعه نظرات مصاحبه‌شوندگان، مطالب فراوان و متعددی در خصوص افزایش آگاهی، اطلاعات عمومی، دانش، مهارت، شکوفایی هر چه بیشتر استعدادها و توانایی‌های شهروندان در سایه شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی و به‌تبع آن، آزادسازی اطلاعات و دسترسی آسان شهروندان به اطلاعات و همچنین افزایش پیوندهای اجتماعی بیان شده است. بر همین اساس مجموع عوامل اشاره شده در قالب مفهومی با عنوان شایستگی در چارچوب نظری معرفی شدند. به بیانی دیگر، کسب شایستگی به‌عنوان یکی از پیامدهای شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی، بدین معناست که در سایه توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و به‌تبع آن تقویت پیوندهای اجتماعی،

جوامع دارای شهروندانی با سطح اطلاعات، آگاهی، دانش، مهارت، توانمندی و استعداد بیشتری در مقایسه با دوران‌های قبل از اطلاعاتی شدن جوامع خواهند بود.

پیامد خروجی دوم حاصل از شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی، بیشتر بر جنبه فناوری‌سالاری آن تأکید داشته و بیانگر شرایطی است که در آن نظام‌های اجتماعی جوامع به‌صورت خودجوش شروع به بهره‌مندی و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در فعالیت‌های روزانه خود می‌کنند. به بیانی دیگر، نهادهای اجتماعی که در بردارنده تمامی سازمان‌ها و مؤسسه‌های فعال در عرصه‌های اجتماعی همچون جوامع هستند، به این نتیجه می‌رسند که استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، در انجام فعالیت‌ها و امور اجرایی آنها تأثیر به‌سزایی در افزایش کارایی و اثربخشی آنها دارد و به همین دلیل به‌صورت خودجوش به استفاده از آنها و متعاقب آن، به ایجاد تغییر و تحول در ساختار خود برای تطابق هر چه بیشتر با این فناوری‌ها اقدام می‌کنند.

پیامد و خروجی سوم خاص از شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی با عنوان مطالبات عمومی نام‌گذاری و در مدل معرفی شده است. مفهوم این پیامد و نتیجه، بیانگر این مطلب است که در سایه شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی و به‌تبع آن گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جوامع و تقویت پیوندهای اجتماعی، شهروندان از این فناوری‌ها همچون اینترنت، ماهواره، تلویزیون، تلفن همراه و ثابت و مانند آن، استفاده کرده و از اوضاع و احوال مناطق دیگر جهان، آداب و رسوم، نحوه زندگی دیگر ملل، شرایط زندگی آنها، میزان رفاه و آسایش آنها، نظام‌های سیاسی آنها، میزان بهره‌مندی آنها از آزادی و حقوق بشر، میزان پاسخ‌گویی مسئولان آنها و... کسب اطلاع می‌کنند. در این شرایط سطح خواسته‌های شهروندان با توجه به اطلاعاتی که از جوامع و ملل دیگر به‌دست می‌آورند، افزایش می‌یابد و با خود به این پرسش می‌اندیشند که چرا جوامع دیگر می‌توانند این چنین زندگی کنند ولی ما نمی‌توانیم؟ ما نیز باید از زندگی و رفاهی مشابه آنها برخوردار باشیم. در چنین شرایطی است که سطح عمومی انتظارات ایشان از نظام‌های اجتماعی جامعه خویش در جهت ارتقای کیفیت زندگی ایشان افزایش یافته و گاهی با برگزاری اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها، این خواسته‌ها و انتظارات خود را به گوش مسئولان مربوطه می‌رسانند. در چنین شرایطی است که نظام‌های اشاره شده به‌صورتی اجباری، اقدام به ایجاد تغییر و تحول در ساختار خود به قصد پاسخ‌گویی هر چه بیشتر به مطالبات و انتظارات شهروندان می‌کنند. در ضمن همان‌گونه که در نمودار ۱ نیز مشاهده می‌شود، کسب شایستگی نیز یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش سطح مطالبات عمومی شهروندان معرفی شده است. به بیان دیگر بر اساس چارچوب نظری، به هر میزان که شهروندان از اطلاعات، مهارت، دانش، توانایی و استعداد بیشتری برخوردار شوند، به همان میزان نیز انتظارات و خواسته‌های آنها برای داشتن زندگی

مطلوب‌تر در جامعه خویش افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر، شهروندانی که در راستای کسب شایستگی خود تلاش می‌کنند، شرایط و محیط زندگی بهتری را در مقایسه با دوران‌های گذشته که از مهارت، استعداد، اطلاعات و آگاهی کمتری برخوردار بودند، طلب می‌کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تحول در نظام اجتماعی جوامع در سایه گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی با دخالت و اثرگذاری عامل کسب شایستگی به توسعه اجتماعی تبدیل شده است. به بیان دیگر، چارچوب نظری ارائه شده، بیانگر این مهم است که تا مرحله قبل چه به صورت خودجوش و چه به صورت اجباری، نظام‌های اجتماعی جوامع اطلاعاتی دچار تغییر و تحول شدند؛ ولی زمانی این تغییر و تحول به توسعه‌یافتگی یا به کمال و تعالی واقعی خود نائل می‌آید که حضور و مشارکت شهروندان توانمند، آگاه و با مهارت نیز در جریان این تحولات دخالت داده شوند. به گفته دیگر بر اساس نظرات مطرح شده، توسعه‌یافتگی به معنای واقعی آن در عرصه‌های گوناگون از یک سو وابستهٔ ایجاد تغییر و تحول در نظام‌های اجتماعی جوامع و از سوی دیگر، وابسته حضور شهروندانی توانمند و شایسته است تا چرخه توسعه‌یافتگی به واسطه آنها تکمیل شود.

همان‌طور که در چارچوب نظری ارائه شده مشاهده می‌شود، مفروضات بنیادین همانند کسب شایستگی، از جمله عوامل مؤثر بر نائل آمدن به توسعه اجتماعی جوامع در نظر گرفته شده‌اند. به بیان دیگر، زمانی توسعه اجتماعی به معنای واقعی آن رخ می‌دهد که از یک سو شهروندانی شایسته داشته باشیم و از سوی دیگر، مفروضات بنیادین ایشان همچون اعتقاد ایشان به تعیین سرنوشت خود و جامعه‌شان به دست خویش، داشتن لیاقت و شایستگی زندگی با آرامش و رفاه حداکثری، ارزشمند بودن زندگیشان، اعتقاد به مدنیت و قدرت سرنوشت‌ساز جامعه مدنی و... نیز در راستای توسعه‌یافتگی متحول شده باشد.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که از یک سو متغیرهای ملی و از سوی دیگر متغیرهای فراملی بر شکل‌گیری و تقویت یا تضعیف این مفروضات بنیادین نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. متغیرهای فراملی همچون تعاملات و ارتباطات بین‌المللی شهروندان، آشنا شدن ایشان با سایر ملل و نحوه زندگی ایشان و به گفته بهتر، پدیده جهانی شدن و زندگی انسان امروز در دهکده جهانی، زمینه را برای تأثیرگذاری بر مفروضات بنیادین شهروندان فراهم کرده و با گذر زمان، مفاهیمی که پیشتر بدان‌ها اشاره شده را در ضمیر ایشان به‌عنوان مفروضات بنیادین نهادینه می‌کند. از سوی دیگر متغیرهای ملی نیز همچون ارزش‌ها و باورهای ملی، مثل پاسخی که فرهنگ هر ملت به نحوه زندگی انسان‌ها دارد، نگاهی که فرهنگ هر ملت به نقش‌سازنده انسان‌ها در سرنوشت خویش دارند، ارزش و جایگاهی که فرهنگ آن ملت برای انسان‌ها و

شهروندان آن قائل است و مانند آنها، از ديگر عوامل اثرگذار بر مفروضات بنيادين شهروندان است. گفتني است که مفروضات بنيادين هر ملتي بر مطالبات عمومي آنها نيز اثرگذار است؛ بدین معنا که نوع نگرش شهروندان هر جامعه و ارزش و جايگاهي که شهروندان هر جامعه برای خود و زندگي خویش قائل هستند، در سطح انتظارات و توقعات آنها تأثیر به‌سزايی خواهد داشت. برای مثال، شهروندانی که برای خود نقشی مهم و والا در شکل‌دهی جامعه خویش قائل هستند و در طول تاريخ این مطلب را به اثبات رسانده‌اند و دائم در تلاش هستند تا زندگي ایده‌آلی را برای خود و هم‌نوعان خود بسازند، از سطح توقعات و مطالبات بیشتری در مقایسه با شهروندانی که نقش منفعلی برای خود در جامعه خویش قائل هستند، برخوردارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در تلاش است تا با ارائه الگویی جامع، به تبيين تأثيرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی بر توسعه اجتماعي جوامع پرداخته و یافته‌های خود را در قالب یک چارچوب نظري، به‌منزله نتیجه و خروجی روش داده‌بنیاد ارائه کند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که تمامی نظرات و ایده‌های مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، حول محور شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی در سایه نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بوده و بر همین اساس مقوله‌ای با عنوان شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی به‌عنوان مرکز و هسته اصلی چارچوب نظري ارائه شده در نظر گرفته شد. تحلیل نظرات ایراد شده حاکی از آن بود که دو عامل مهم با عنوان‌های عوامل ملی، همچون سیاست‌های دولت، قوانین و مقررات کشورها و فرهنگ ملی؛ و عوامل بین‌المللی همچون حمایت‌ها و تهديد‌های سازمان‌های بین‌المللی، ارتباطات جهانی و فرهنگ جهانی؛ در شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. مرور مطالعات انجام شده در این خصوص بیانگر این مطلب است که مطالعاتی چند به برخی متغیرهای اشاره شده (اجزای متغیرهای ملی و فراملی) به‌صورتی جداگانه توجه داشته‌اند؛ ولی تاکنون پژوهشی این چنین به بررسی شاخص‌های ملی و فراملی به‌صورت هم‌زمان نپرداخته که این مطلب بیانگر جامع بودن چارچوب نظري ارائه شده در پژوهش حاضر است. بر همین اساس به پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعه در این حوزه، توصیه می‌شود تا به مطالعه و بررسی تأثيرات عوامل ملی و بین‌المللی بر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع نيز بپردازند تا درنهایت از کنار هم قرار گرفتن پژوهش‌هایی این چنین، چارچوب نظري جامعه‌شناختی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تهیه و تدوین شود.

از سوی دیگر یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این مهم هستند که شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی از طریق سه سازوکار بر تغییر و تحول نظام‌های اجتماعی و درنهایت، بر توسعه اجتماعی جوامع منجر می‌شود. شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی از یک سو با فراهم آوردن امکاناتی در راستای تسهیل دسترسی همگان به اطلاعات و شکست انحصارگرایی اطلاعاتی در جوامع باعث افزایش اطلاعات، آگاهی، دانش و مهارت و توانمندی شهروندان می‌شود. پژوهش‌هایی چند نیز بر این یافته پژوهش حاضر صحنه گذاشته و بر تأثیرات توسعه استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر افزایش سطح سواد و تحصیلات، به‌عنوان شاخص‌های افزایش دانش و آگاهی شهروندان تأکید داشتند (OECD, 2010a; Kamel, 2008; Perdana, 2010). از سوی دیگر در جامعه اطلاعاتی شهروندان به‌واسطه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی از تعاملات و ارتباطات بین‌المللی بیشتری برخوردار شده‌اند که همین امر زمینه را برای آشنایی هر چه بیشتر ایشان با شرایط زندگی و میزان رفاه و آرامش شهروندان سایر ملل فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی سطح انتظارات و توقعات شهروندان از جامعه خویش و نظام‌های موجود در آن افزایش یافته و نظام‌های موجود در جامعه را تحت فشار قرار داده تا با ایجاد تغییر و تحولاتی در فعالیت‌ها و خدمات ارائه شده از سوی آنها، رفاه، آسایش و امکانات بیشتر برای زندگی ایشان فراهم کنند. گفتنی است که این یافته (تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی بر افزایش مطالبات عمومی) برای نخستین بار به‌عنوان خروجی یک پژوهش معرفی شده و تاکنون در هیچ مطالعه علمی به این تأثیر اشاره نشده است. بر همین اساس و با توجه به بدیع بودن این تأثیرات، به پژوهشگران توصیه می‌شود تا بر نقش مطالبات عمومی و تأثیرات آن بر حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سایه گسترش و ترویج فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی متمرکز شده و به شناسایی سازوکارهای این تأثیرگذاری بپردازند.

همان‌گونه که برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه علوم اجتماعی نیز به استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و تأثیرات مثبت آنها در روند انجام فعالیت‌های مربوط به نظام‌های اجتماعی تأکید داشتند (Avgerou, 2008; Deflem, 2009)، یافته‌های پژوهش حاضر نیز بیانگر این مطلب بودند که علاوه بر تغییرات اجباری که در نتیجه افزایش مطالبات عمومی در نظام‌های اجتماعی حاصل می‌شود، گسترش استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی نظام‌های اجتماعی را بر آن می‌دارد که به‌صورت خودجوش نیز از این امکانات و فناوری‌های نوین در راستای تغییر و تحول در انجام کارها و خدمت‌رسانی به شهروندان استفاده کنند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر این مطلب است که بروز تغییر و تحول در نظام‌های اجتماعی چه، به‌صورت خودجوش و چه به‌صورت اجباری، الزاماً به توسعه اجتماعی منتهی

نمی‌شود و دستیابی به توسعه‌یافتگی در حوزه‌های اجتماعي، علاوه بر ایجاد تحول در نظام‌های اجتماعي، مستلزم داشتن شهروندانی توانمند و دارای سطح اطلاعات، آگاهی و دانش بالا است. یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص ویژگی‌های مورد نیاز شهروندان، با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نقش شهروندان آگاه و مطلع در تسريع فرآیند توسعه‌یافتگی جوامع هم راستا بوده (Macintosh, 2004; Mahrer & Krimmer, 2005) و بر جایگاه والا و کلیدی شهروندان در توسعه اجتماعي جوامع تأکید می‌کند. از سوی دیگر مفروضات بنیادین شهروندان نیز به‌منظور نائل آمدن به توسعه‌یافتگی باید همسو و هم جهت با آن بوده و به‌گفته‌ای نقش تسهیل‌گر را در این راستا ایفا کنند که این یافته از پژوهش حاضر، تاکنون در هیچ یک از مطالعات علمی در خصوص تأثیر فناوری اطلاعات بر مفروضات بنیادین و سپس تأثیرات آنها بر فرآیند توسعه‌یافتگی جوامع مورد توجه قرار نگرفته بود. بر همین اساس و با توجه به فقدان مطالعه علمی در این خصوص، به پژوهشگران توصیه می‌شود تا به مطالعه و بررسی تأثیرات مفروضات بنیادین، نحوه تأثیرگذاری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر شکل‌گیری، اصلاح و تغییر آنها پرداخته و همچنین سازوکارهای تأثیرگذاری متقابل جامعه اطلاعاتی و مفروضات بنیادین شهروندان را شناسایی و مورد پژوهش قرار دهند.

در نهایت و به بیانی، خلاصه نتایج پژوهش حاضر بیانگر این مطلب هستند که تنها زمانی می‌توان به توسعه‌یافتگی جامعه‌ای در بعد اجتماعي آن اذعان کرد که علاوه بر اینکه شاهد تغییر و تحول در نظام‌های اجتماعي آن جامعه هستیم، باید شهروندانی با سطح شایستگی بالا و دارای مفروضاتی بنیادینی هم‌راستا با کمال‌گرایی و تعالی نیز داشته باشیم.

منابع

- Abbott, C. (2001). *ICT: Changing Education*. London: Routledge Falmer.
- Andrews, R. (2004) (ed). *The Impact of ICT on Literacy*. London: Routledge Falmer.
- Avgerou, C. (2008). Information systems in developing countries: a critical research review. *Journal of Information Technology*, 23: 133–146.
- Charlton, T., Devlin, M. and Drummond, S. (2009). Using Facebook to improve communication in undergraduate software development teams. *Computing Science Education*, 19(4): 273-292.
- Clemons, E. K. (2009). The complex problem of monetizing virtual electronic social networks, *Decision Support Systems*, 48(1): 46–56.

- Daniel, B., Schwier, R. A. and McCalla, G. (2003). Social capital in virtual learning communities and distributed communities of practice, *Canadian Journal of Learning and Technology*, 29(3): 113–39.
- Deflem, M. (2009). The Technology of Policing: Crime Mapping, Information Technology, and the Rationality of Crime Control by Peter K. Manning. *American Journal of sociology*, 115(1): 98-123.
- Dinev, T. and Hart, P. (2006). Internet Privacy Concerns and Social Awareness as Determinants of Intention to Transact. *International Journal of Electronic Commerce*, 10(2): 7-29.
- Esterhuysen, A. (2000). *Networking for a Purpose: African NGOs Using ICT. Rowing Upstream: Snapshots of Pioneers of the Information Age in Africa*, at: http://www.piac.org/rowing_upstream/chapter1/full_chapter_1.html.
- Fowler, A. (2000). *Civil Society, NGOs and Social Development*, Geneva: UNRISD.
- Frisch, I. (2006). *Turning Information into Knowledge. By Assisting Independent and Critical Thought by Means of ICT's*. Available: http://www.athgo.org/downloads/position_papers/Frisch_Isis.pdf.
- Gajendra, S., Sun, W., and Ye, Quiang. (2010). Second life: A strong communication tool in social networking and business. *Information Technology Journal*, 3: 1-11.
- Healy, T. and Cote, S. (2001). *The well-being of nations: The role of human and social capital*. Paris: Center for Educational Research and Innovation.
- Hendriks, P. (1999). Why Share Knowledge? The Influence of ICT on the Motivation for Knowledge Sharing. *Knowledge and Process Management*, 6(2): 91–100.
- Houtman, Dick, (2004). *Lipset and "Working-Class" Authoritarianism*. In: I.L. Horowitz (ed.), *Civil Society and Class Politics: Essays on the Political Sociology of Seymour Martin Lipset*, New Brunswick, NJ: Transaction, pp. 131-160.
- ITU (2010). *World Telecommunication/ICT Development Report 2010: Measuring ICT for social and economic development*. Geneva Switzerland.

- Jabareen, Y. (2008). A New Conceptual Framework for Sustainable Development, Environment, *Development and Sustainability*, 10: 179-192.
- Jamtsho, S., Rinchen, S., Khan, Z., Sangi, N., Ahmed, S., & Samaranayake, V. (2007). *Accessibility, acceptance and effects of distance education in South Asia*. In J. Baggaley & T. Belawati (Eds.) *Distance Education Technology in Asia*. Lahore: Virtual University of Pakistan.
- Kamel, S. H. (2008). *The Role of ICT in Building a Knowledge-based Society*. Available: <http://www.thinktanking.idsc.gov.eg/DevelopingCountries/thinkTank/ThinkTankFiles/The%20Role%20of%20ICT%20in%20Building%20a%20Knowledge-based%20Society.pdf>.
- Kozma, R. (2005). National policies that connect ICT-based education reform to economic and social development. *Human Technology*, 1(2): 117–156.
- Macintosh, A. (2004). *Characterizing E-Participation in Policy-Making. Proceedings of the 37th Hawaii International Conference on System Sciences*, Big Island, Hawaii.
- Madon, S. (2000). The internet and socio-economic development: Exploring the interaction. *Information Technology and People*, 13(2): 85–101.
- Mahrer, H., and Krimmer, R. (2005). Towards the enhancement of e-democracy: identifying the notion of the ‘middleman paradox’. *Info Systems Journal*, 15: 27–42.
- Malgorzata, H. (2007). Information technology as a tool for public participation in urban planning: a review of experiments and potentials. *Design Studies*, 28(3): 289-307.
- McIver, J. W. (2004). *Tools for Collaboration between Trans-national NGOs: Multilingual, Legislative Drafting*. New Brunswick, Canada: Sage.
- Merlyn, P.R. & Valikangas, L. (1998) From Information technology to Knowledge technology: Taking the user into consideration. *Journal of Knowledge Management*, 2(2), 31-43.
- OECD (2010). *Are the New Millennium Learners Making the Grade? Technology Use and Educational Performance in PISA*, <http://browse.oecdbookshop.org/oecd/pdfs/browseit/9609101E.PDF>.

- Pawar, M. S., and Cox, D. R. (Eds.). (2010). *Social development: Critical themes and perspectives*. New York: Routledge.
- Perdana, A. (2010). *ICT, Knowledge Society, and Good Governance. IEEE/IET Electronic Library (IEL)*. Available: http://ieeexplore.ieee.org/xpls/abs_all.jsp?arnumber=5561597.
- Pirannejad, A. (2011). The effect of ICT on political development: a qualitative study of Iran. *Information Development*, 27: 186-195.
- Sheridan, S. and Pramling Samuelsson, P. (2003). Learning through ICT in Swedish early childhood education from a pedagogical perspective of quality. *Childhood Education*, 79: 276-282.
- Stephanidis, C., Salvendy, G., and Akoumianakis, D. (1999). Toward an Information Society for All: HCI Challenges and R & D Recommendations. *International Journal of Human- Computer Interaction*, 11(1): 1-28.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1994). *Grounded theory methodology: An overview*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research*. research (pp. 275-275). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Strauss, A. and Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Szirmai, A. (2005). *The Dynamics of Socio-Economic Development: An Introduction*. Cambridge University Press.
- Walsham, G., and Sahay, S. (2006). Research on Information Systems in Developing Countries: Current Landscape and Future Prospects. *Information Technology for Development*, 12(1): 21-32.